

فرزندم را عشق بیاموز و دیگر هیچ

گفت‌وگو با
دکتر ابوالفضل بختیاری
مدرس دوره‌های آموزش
ضمن خدمت

سعیده باقری



آموزش حین خدمت^۱، یکی از روش‌های بازآموزی و هم‌آموزی معلمان است که در جهان قدمت بسیاری دارد. در این نوع خاص از آموزش ضمن خدمت^۲، معلمان در همان محیط کار خود، در گروه‌های کوچک و بزرگ به آموزش و یادگیری خود، همکاران و هم‌تایانشان^۳ می‌پردازند. با توجه به اظهار نظر یکی از معلمان موفق دوره ابتدایی که تجربه خوبی از شرکت در یک دوره ضمن خدمت از این نوع داشت، به سراغ **دکتر ابوالفضل بختیاری**، مدرس دوره مذکور که خود روزگاری معلم ابتدایی بوده و در حال حاضر در سطوح دانشگاهی و حوزوی تدریس می‌کند رفتیم تا با تجربه زیسته ایشان در برگزاری دوره‌های ضمن خدمتی که ادعا شده متفاوت از دوره‌های دیگر بوده است، آشنا شویم.

دوره تلاش‌های بسیار خوبی انجام شد و مدرسه‌ها ما را به‌عنوان مدرس برای تدریس دوره‌ها دعوت می‌کردند. در اقدام پژوهی، معلمان (یا کارگزاران آموزشی) با مسئله‌ای کوچک، که خودشان درگیر آن بودند، کار می‌کردند و گام‌به‌گام جلو می‌رفتیم. مثلاً معلمی می‌گفت، دانش‌آموزی دارد که در انشا یا املا ضعیف است.

از همین جا طرح اقدام پژوهی شکل می‌گرفت. از عنوان شروع می‌کردیم و می‌گفتیم که عنوان به چه شکل باید نوشته شود. به همین ترتیب جلو

رشد معلم لطفاً به‌طور خاص درباره دوره‌های درس پژوهی و اقدام پژوهی که برگزار کرده‌اید، توضیح بدهید.

بحث درس پژوهی که به زعم من «تدریس پژوهی» درست است، در چند سال اخیر مورد توجه قرار گرفته است؛ خوب است بدانیم که در سال ۱۳۷۲ آقای دکتر **مهرمحمدی**، رئیس فعلی دانشگاه فرهنگیان و رئیس پژوهشکده تعلیم و تربیت آن زمان، کاری جدید به نام اقدام پژوهی را شروع کردند. در آن

می‌رفتیم. بعد مقدمه و... در پایان به نظر می‌رسید خودشان حس خوبی داشتند. با کمک خودشان هم مسئله‌یابی و مسئله‌کاو می‌کردیم. بعد از کارگاه، معلمان می‌گفتند که ما اقدام‌پژوهی را خیلی بزرگ، دشوار و مشکل می‌دیدیم، ولی الان برایمان ساده شد.

در تدریس پژوهی، معلمان هم‌پایه، سه چهار نفر، گروه تشکیل می‌دادند. مثلاً سه معلم اول ابتدایی، یا سه معلم سوم ابتدایی، با هم می‌نشستند و مبحث درسی یا مسئله‌ای را که دانش‌آموزان در آن مشکل دارند، پیدا می‌کردند؛ مثلاً جمع و تفریق دو رقمی، یا هر چیز دیگری را که دانش‌آموزان در کلاس خوب یاد نمی‌گرفتند. برایش طرح درس می‌نوشتند و در کلاس اجرا می‌کردند. بعضاً من هم در انتهای کلاس با معلمان دیگر می‌نشستم و نحوه تدریس او را مشاهده می‌کردم. بعد از این مشاهده در دفتر می‌نشستیم و **گفت‌وگوی حرفه‌ای** رقم می‌خورد. در این گفت‌وگوها می‌گفتند اولین بار است که ما توانستیم با هم بنشینیم و گفت‌وگوی حرفه‌ای داشته باشیم.

در تدریس پژوهی، معلم در اتاق خود را به روی همتا (همکار) باز می‌کند، در حالی که قبل از آن ذهن خود را به روی یافته‌های جدید باز کرده است.

رشد معلم در فرایند تدریس پژوهی، گفت‌وگو چه جایگاهی دارد؟

در گفت‌وگو، ایده‌های جدید شکل می‌گیرند. در «گفت‌وگو» من از شما یاد می‌گیرم و شما از من یاد می‌گیرید، چون قرار «گفت» و «گو» است. من یک ایده دارم، شما هم یک ایده دارید، وقتی با هم حرف می‌زنیم، دو ایده داریم.

در تدریس پژوهی (یا درس پژوهی) معلم به فکر بهبود و اصلاح تدریس و معلمی (به‌زعم استاد سرکار آرائی) خود است (به همین علت من می‌گویم تدریس پژوهی صحیح است). معلم به این فکر می‌کند که چه کند تا دانش‌آموزانش بهتر یاد بگیرند. حتماً در **تدریس پژوهی** معلم خودش هم رشد می‌کند و یاد می‌گیرد و به رشد حرفه‌ای همکار (همتایش) کمک می‌کند. همان‌طور که ما هم در این کلاس‌های ضمن خدمت، از معلمان

یاد می‌گیریم. وقتی سعی می‌کنم خوب یاد بدهم، خودم هم خوب یاد می‌گیرم.

خاطره‌ای دارم از دوستی (دکتر عباس حبیب‌زاده استاد دانشگاه قم) که در رابطه با تدریس پژوهی کار کرده است. ایشان روایت می‌کرد، معلمی از این جنس گفت: «آقای دکتر عزیز، من بعد از ۲۰ سال تدریس ریاضی فهمیدم که می‌توانم از معلم تازه کاری که تازه لیسانس گرفته است، فلان مبحث را که تا به حال به اشتباه درس می‌دادم، یاد بگیرم!» این‌طور نیست که حتماً معلمی که سابقه‌اش بیشتر است، از همکار خود یاد نگیرد. در فرایند گفت‌وگو ایده‌های جدید خلق می‌شود. چون دارید فرایند تدریس و یادگیری را بازاندیشی می‌کنید.

رشد معلم آقای دکتر، برداشت من این است که در واقع شما در ضمن خدمت فضایی ایجاد کردید که معلمان بنشینند فکر کنند، بشنوند، بگویند و درس پژوهی انجام دهند.

بله. اصلاً شعار آموزشی این است:

«When I do, I learn!» (وقتی انجام می‌دهم، یاد می‌گیرم!) و در دنیای جدید حرف این است که: «When I learn, student learn!» (وقتی یاد

می‌گیرم، دانش‌آموز هم یاد می‌گیرد!) در دوره‌های قدیم (کهن)، معلم خودش را «علامه دهر» می‌دانست. بعضاً در مدرسه‌ها، در دوره‌ها، معلمانی پیدا می‌شوند که تا شروع می‌کنیم می‌گویند که نمی‌شود. من هم می‌گویم که: «چو فرمایی که نتوانم، برو بنشین که نتوانی!» کسی که می‌آید و می‌گوید می‌شود، آستین‌ها را بالا می‌زند و شروع می‌کند و حتماً یاد می‌گیرد. همین چند روز پیش، مدرسه‌ای ما را دعوت کردند، اول که رفتیم، یک معلم بلند شد و گفت این‌ها که شما می‌فرمایید، شدنی نیست! گفتم که: «چو فرمایی که نتوانم، برو بنشین که نتوانی!» خود مدیر و معاونان مدرسه می‌گفتند که ایشان همیشه می‌گوید نمی‌شود!

رشد معلم به نظر شما وضعیت فعلی آموزش ضمن خدمت برآوردنده نیازهای واقعی معلمان است؟

**فرهنگ آموزش
ضمن خدمت
باید بتواند
ارزش‌های
مشترک، باورها،
هنجارها،
رفتارها، دانش‌ها،
بینش‌ها،
هنرها، عادات
و آداب معلمان
و کارگزاران
آموزشی را
تغییر دهد و
شاید مهم‌ترین
آن تغییر نگرش
معلمان باشد**

نواندیشی یعنی ایجاد یک فکر بکر و راهکار نو برای حل مسئله در مدرسه

محاسنش را گفتیم، حال عیب‌های ضمن خدمت را هم بگوییم. یکی اینکه وقت‌های مرده را اختصاص می‌دهند به این کار، که وقت مناسبی برای یادگیری نیست. معلمی که از صبح تا ساعت دو بعدازظهر درس داده، هر چقدر هم استادش علامه دهر باشد، نمی‌تواند یاد بگیرد. هم خسته است و هم دغدغه خانه، بچه و همسر را دارد. دیگر اینکه به خاطر پیشینه بدی که ضمن خدمت‌ها داشته‌اند، از آن‌ها خوب استقبال نمی‌شود. ادعا می‌شود این دوره‌های آموزشی شوق و ذوقی ایجاد نمی‌کنند! باید شوق یادگیری را در معلمان ایجاد کرد. یعنی کاری کنیم که یادگیری برایشان ملموس و محسوس شود. آموزش ضمن خدمت باید شوق یادگیری ایجاد کند و معلم به بازاندیشی و تأمل در عمل تدریس خود پردازد.

روح پدرم شاد که فرمود به استاد

فرزند مرا عشق بیاموز و دگر هیچ

من به معلمان می‌گویم که نمی‌خواهد کاری انجام دهید، فقط کاری کنید که این بچه حس خوب داشته باشد. اگر این کار را کردید، مطمئناً می‌رود و یاد می‌گیرد. اگر این حس را ایجاد نکنید، بهترین حرف دنیا را هم بزنید، اصلاً برایش معنادار نیست! و معلمان هم در ضمن خدمت‌ها کمی در این بخش مشکل دارند. ما سعی می‌کنیم ارتباط عاطفی برقرار کنیم، به آن‌ها نزدیک می‌شویم و حرف می‌زنیم و اولین کلام این است که من هم از جنس خودتان هستم. دستم روغنی است، از آن مکانیک‌های آچار به دست هستم. وقتی می‌روم مدرسه، می‌گویم افتخار من این است که با معلمی شروع کرده‌ام و با هم گفت‌وگویی را شروع می‌کنیم و راحت می‌شویم و بعد می‌رویم توی گود و کتابی باز می‌کنیم. به نظر می‌رسد مدرسه‌ها بهترین محل یادگیری هستند نه دانشگاه‌ها (مدرسه‌ها می‌شوند مدرسه یادگیرنده).

من اعتقاد این است که آموزش ضمن خدمت اگرچه ممکن است مشکلات اجرایی (اداری) داشته باشد، اما اگر بیاید در کلاس و مدرسه، می‌تواند کارا و اثربخش (کارآمد) باشد. مدرسه‌هایی رفته‌ام که معلم تا آخرین لحظه می‌نشیند، از هشت صبح تا شش بعدازظهر کلاس بوده، باز هم بعد از کلاس می‌آید و می‌گوید می‌شود مطلب نو یا کتاب جدیدی به من معرفی کنید؟ و من سعی می‌کنم

کتاب‌های جدید معرفی کنم. اما اگر ضمن خدمت خوب اجرا نشود و یافته جدیدی برای معلمان نداشته باشد، آن‌ها از آن استقبال نخواهند کرد. مسئولان و دست‌اندرکاران برگزاری آموزش حین خدمت نقش بسیار مهمی در کیفیت کلاس‌های ضمن خدمت دارند.

رشد معلم من در صحبت‌هایتان متوجه شدم، این نگاه شما که در دوره‌های ضمن خدمت خودتان را هم تراز معلمان می‌بینید و از موضع بالا وارد نمی‌شوید، در برقراری ارتباط شما بسیار تأثیر دارد.

ارتباط عاطفی باید برقرار شود. همین حالا که من با شما صحبت می‌کنم (در حالی که بلند می‌شوند و دوباره از در اتاق وارد می‌شوند)، اگر من وارد شوم و بنشینم، می‌تواند ارتباط مؤثر برقرار شود، اما اگر بایستم (در حالی که می‌ایستند) و از موضع بالا نگاه کنم، اصلاً نمی‌توانید ارتباط برقرار کنید.

معلم نگران است که نکند من بروم سر کلاس (ضمن خدمت) و استاد سؤالی بپرسد که من بلد نباشم! (دو چشم نگران - به دنبال دگران!) نگران یادگیری است. ترس از یادگیری دارد. در گفت‌وگویی که من با معلمان داشته‌ام، می‌گویند ما وقتی می‌آییم اینجا می‌نشینیم، دغدغه داریم. خانم مدیر و همتای (همکار) من نشسته‌اند. استاد ضمن خدمت چیزی نپرسد که من بلد نباشم! چون نگرانم، حتی از یادگیری هم می‌ترسم. به نظر می‌رسد ما از یادگیری می‌ترسیم!

مدیر و معلم به ما می‌گوید که: «آقای بختیاری، یک نکته به من بگو که من با خودم ببرم به مدرسه و کلاس، یک مسئله دانش آموزم را شناسایی و حل کنم. آقای پیاژه این را گفت. دیوئی، کاردان، شکوهی، هوشیار، دکرولی و... این را گفت، خوبه، ولی یک مسئله و راه‌حل مشکلم را به من یاد بده که بتوانم در عمل آن را به کار ببرم.» من در دوره دکترا کتاب دکتر کاردان «۵۰ اندیشمند علوم تربیتی» (انتشارات سمت) را درس می‌دهم. این کتاب را معرفی می‌کنم، می‌گویند من توان خواندن این کتاب ۵۰۰ صفحه‌ای را ندارم. از آن ۵۰ اندیشمند یک نکته به من بگو که به کارم بیاید. من هم می‌نویسم که دکرولی گفت: «مدرسه باید محل زندگانی بچه باشد» تا با آن حال کند،

نوآوری و نوجویی، اصلی‌ترین عامل در موفقیت نظام‌های آموزشی است

تفاوت‌های درس پژوهی و اقدام پژوهی

اقدام پژوهی	درس پژوهی
از تئوری در عمل	درس پژوهی نقطه عمل
هدف: انجام پژوهش در حین عمل	هدف: پرورش حرفه‌ای معلم
ماهیت: تفسیر داده‌ها	ماهیت: بازاندیشی (تفکر)
بهبودی فرایند آموزش و نتیجه بهتر	بهبودی کلاس درس
قابل اجرا در هر سازمانی	قابل اجرا فقط در کلاس و مدرسه
بیشتر سیستماتیک	بیشتر ارگانیک و کمتر سیستماتیک
گسترده	خیلی جزئی و محدود
قابل اجرا به صورت فردی و گروهی	قابل اجرا فقط به صورت گروهی
بدون راهنمای عمل خاص	دارای طرح درس و راهنمای عمل خاص
تأکید بر شناخت مسئله و بهسازی عمل در سازمان‌ها	تأکید بر غنی‌سازی و فرایند آموزش و یادگیری
توجه به شناخت مسئله و کاربرد یافته‌ها	توجه به برنامه درسی
غیر مبتنی بر برنامه درسی	مبتنی بر برنامه درسی

جدول تفاوت‌های اقدام پژوهی و تدریس پژوهی به نقل از مقاله معرفی شده

(کلاس یادگیرنده - مدرسه یادگیرنده). در ضمن خدمات‌ها افرادی فقط می‌آیند، اول ساعت اسمشان را می‌نویسند و می‌روند و آخر وقت می‌آیند مدرک می‌گیرند. این مدرک هیچ فایده‌ای ندارد. در ضمن خدمات‌هایی که من برگزار می‌کنم، هیچ مدرکی به افراد نمی‌دهند.

* پی‌نوشت:

1. On The Job Training
2. In Service Education
3. Peer
4. Fun Education
5. Lesson Study
6. Teaching
7. Action Research
8. Facilitator
9. Life Long Learning (LLL)

* منابع

- برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به:
ابوالفضل بختیاری (آذر ۱۳۸۷).
درس پژوهی الگوی ژاپنی برای رشد حرفه‌ای معلمان در کلاس درس. پژوهشنامه آموزشی شماره ۱۰۴. تهران. پژوهشگاه آموزش و پرورش
- ابوالفضل بختیاری (۱۳۹۳)
تدریس پژوهی (درس پژوهی). تهران: انتشارات آوای نور
- ابوالفضل بختیاری (۱۳۸۲)
اقدام پژوهی. تهران: انتشارات لوح زرین

آموزش همراه با شادی و نشاط^۴ باشد، آموزش همراه با بازی باشد، **حس خوب** به بچه بدهد. دانش آموز و دانشجو و همین‌طور شرکت‌کنندگان در دوره‌های ضمن خدمت، با سکوتشان این پیام را منتقل می‌کنند که: «تو آوردی اینجا مرا هستی داری تهدید می‌کنی، تحقیق می‌کنی، قرار بود تشویق کنی - شوق یادگیری در من ایجاد کنی!! من اصلاً یادگیری برایم اتفاق نمی‌افتد، من از یادگیری می‌ترسم (دارد تنم می‌لرزد!!!)، اصلاً شوق در من ایجاد نمی‌شود! می‌ترسم، کز کردم که نکند بپرسید! با گارد بسته می‌آیم!»
فرهنگ آموزش ضمن خدمت باید بتواند ارزش‌های مشترک، باورها، هنجارها، رفتارها، دانش‌ها، بینش‌ها، هنرها، عادات و آداب معلمان و کارگزاران آموزشی را تغییر دهد و شاید مهم‌ترین آن‌ها تغییر نگرش معلمان باشد.

رشد معلم نکته دیگر اینکه چون شما

در دوره‌ها اقدام پژوهی و تدریس پژوهی را آموزش می‌دهید، لطفاً تفاوت این دو را برای ما توضیح دهید.

بله. درس پژوهی^۵ مشخصاً می‌خواهد به معلمی و تدریس^۶ بپردازد (به نقل از دکتر سرکار آرائی). اما اقدام پژوهی^۷ یعنی معلم در کلاس و مدیر در مدرسه با یک مسئله مثلاً ناخن جویدن بچه، یا بدخطی او مواجه است و می‌خواهد آن را شناسایی و حل کند. **اقدام پژوهی** را هر کسی در مدرسه، مثل معلم، مدیر، معاون، دفتردار و مربی می‌تواند انجام دهد، اما «**تدریس پژوهی**» به کلاس درس برمی‌گردد. اگر چه هر دو می‌خواهند فرایند آموزش و یادگیری را بهبود بخشند، اما یکی از طریق بهبود تدریس و دیگری از طریق حل مسئله به دنبال این کار است. من در مقاله‌ای در **مجله پژوهش‌نامه آموزشی**، فرق اقدام پژوهی و درس پژوهی را مفصلاً توضیح داده‌ام. (جدول روبه رو) نوآوری و نوجویی، اصلی‌ترین عامل در موفقیت نظام‌های آموزشی است.

من معایب دیگر ضمن خدمت‌ها را هم پررنگ کنم: ضمن خدمت باید از این حالت رسمی، تشریفاتی، اداری، دستوری و فرمایشی بیرون بیاید. تا وقتی که **ضمن خدمت** وسیله‌ای باشد برای گرفتن مدرک‌هایی بدون یادگیری معنادار، هیچ ارزشی ندارد. باید معلم‌ها در کلاس‌ها و مدرسه‌ها از هم یاد بگیرند